

نگاهی به مبانی نقد فرهنگی آدورنو

نیمه پنهان فرهنگ مدرن

«دیاکتیک روشنگری»
انتقادی تلخ از خردباوری
روشنگری و ادعایمانه‌های
پرطمطراق علیه آرمان‌های
مدرن فینه است



[مسموعو راغی صدیقانی / بخش نخست]

تئودور ویزنگرند آدورنو (۱۹۰۳ - ۱۹۶۹) فیلسوف اجتماعی، منتقدنوی و موسیقیدان برجسته آلمانی است. متفکرانی است که در دوران اوج سلسله فلسفه فرهنگ، هنر و جامعه بورژوازی این حاکمیت را به چالش کشیدند و آثاری ارزشمند و جنجال‌برانگیز عرضه کرد. نام آدورنو بدون شک با «نظریه انتقادی» (critical theory) و مکتب فرانکفورت از چپ نو گره خورده است. اندیشه‌گران وابسته به این تکرش شمن بهره‌گیری از نظریات کارل مارکس و نقد سرمایه‌داری از موضعی پدیدارشناسی دست به بازنگری و تعبیر چشمگیری در این نظریات زدند که نهایتاً منجر به فاصله محسوس بین آنها و مارکسیسم رسمی (ارتدکسی) شد. از همین رو نقد جدی انسانیت و سیاست‌های حزب مادر شوروی به همان اندازه برای آنها اهمیت داشت که حمله به کاتولیسم غربی و فاشیسم هیتلری.

می‌توان گفت آرمان نظریه‌پردازان انتقادی همچون هورکهایمر آدورنو، مارکوزه بنیامین، لووتال و... (که مکتب فرانکفورت را تشکیل می‌دهند) و نیز گرامشی، کرش و... (که فرانکفورتی نبودند) در یک کلام «رهایی انسان» است و در این راستا حکم هیبلر، موسیلتنی و استالین از یک سو و هیرنر سرمایه و تکنولوژی از دیگر سو یکسان است. این روکرد آنان را به مفهومی عام از سوتالیان‌پرستی و مبارزه با مصادیق آن کشانده همان چیزی که در جهان عینی آتش جنگ و کشتار را می‌آفرودت و در فلسفه ذهن، تفکر، تخیل و قریحه انسان‌ها را کنترل می‌کند. لذا فرانکفورتی‌ها به ضرورت نقد فرهنگی - هنری (رومانا) در تئوری مارکسی بی برندن و کارهای درخشانی در زمینه انجام دادند که از چینی شیون نقد پادمانی در دهه‌های بعد واقع شد. در این میان تئودور آدورنو با ذهنی جوشان و نبوغی سرشار، نظریات جالب توجهی در انتقاد از فرهنگ و هنر حاکم ارائه کرد که به باور برخی قلب پرتیش «مطالعات فرهنگی» است. این نوشتار بر آن است تا راهی به مبانی نقد فرهنگی آدورنو بود و لذا وارث تک تک مضامین و نمونه‌های متعدد نقد وی و عقده‌های زبانی آنها نیست.

در زمانه‌ای که آدورنو در آن می‌زیست و می‌نوشت (یعنی دهه‌های ۱۹ کوشنگران و صاحبان صنایع نسبت در بعد شاعره فرهنگ و زیادت و مصرف‌گرایی جهت توسعه قدرت (کوشوت) و پودویی (سرمایه‌داران) کرد و نیز روند رو به افزایش غفلت دهه‌ها نسبت به وضعیت

خود؛ روی هم موجب پدیدایی و تحکیم پدیده‌های فراگیر موسوم به «فرهنگ انبوه» یا فرهنگ توده‌ای شده بود. در چنین وضعیتی آدورنو و همکارانش ماکس هورکهایمر (که مدیریت مؤسسه تحقیقات اجتماعی دانشگاه فرانکفورت را بر عهده داشت) به نقش منفلساز و آگاهی‌سوز این فرهنگ انبوه بی برندن ودر کتاب پراوازه خود - «دیاکتیک روشنگری» - (۱۹۴۷) فصلی مفصل را به بررسی فرآیند پیدایش این پدیده و ایجاد و زوایای مختلف آن اختصاص دادند. «دیاکتیک روشنگری» انتقادی تلخ از خردباوری روشنگری و ادعایمانه‌های پرطمطراق علیه آرمان‌های مدرنیته است و از آن جمله فصل مذکور، تحت عنوان «صنعت فرهنگ‌سازی، روشنگری به مثابه قریب نو» است. این فصل به بررسی پدیده‌های فرهنگی در بعد فرهنگی است. نظریه‌ای که از آن پس با نام «صنعت فرهنگ» در مکتوبات و محافل روشنگری و جامعه‌شناسی مورد استفاده و ارجاع قرار گرفت؛ تئوری

فرهنگ است و البته از آنجایی که این صنعت در دل همین فرهنگ انبوه پذیرفته و جذب می‌شود، دومی پیش‌زمینه اولی نیز می‌باشد! آنچه که از بالا به عنوان این نظام است نه غلر موجهی برای آن پس این ادعا که چنین کاری به قصد ارشای آرزوهای خردباختگی عموم مردم صورت گرفته است، چیزی جز حرف مفت نیست! بدین معنا صنعت فرهنگ نیازهای را تأمین می‌کند که خودش در میان توده‌ها پنهان کرده است؛ به همین خاطر آنها همواره منتظر رسیدن کلاهی فرهنگی جدیدند و هر کلاهی به محض تولید مورد پذیرش در سطح انبوه قرار می‌گیرد. پیامد چنین وضعیت غایت کردن توده‌ها به یک سلسله الگوهای مشخص و تکراری و در نتیجه صنوبری و مصالحه بی‌اشتیابی و در یک کلام تک صدایی فرهنگی است؛ تنها صدای حاکم مدای مصرف و در حقیقت «صدای سکوت» است. تلویزیون زندگی مردم روزمره را با همه گسالت و کراهت و ناراضی‌اش برای خود مردم به نمایش می‌گذارد و آنها نیز سرگرم شده و دست آخر باور می‌کنند که نوع دیگری از زندگی ممکن نیست! ستون‌های «عالم‌بینی» مجلات و روزنامه‌ها نیز سرگشته مردم را از استیانتان می‌گیرد و با ستارگان گره می‌زند تا در ترحیب به آنان بقولانده که آنچه هست جبراً باید بکنند. بگونه‌ها نسبتاً از طریق جلوبه‌ای ویژه و شوکه کننده تکنولوژیک و با ساختن سقعی هیجانی و احساسی از خنده و گریه، بنسند را بیش از پیش از ماجرا پرت می‌کنند و به همین سان انواع جدید موسیقی، ورزش، اوقات فراغت... که جویان را از اوج فرهم، غفلت و فاصله از آگاهی حفظ می‌کنند. آدورنو تقریباً در باب هر یک از مصادیق فوق، مقاله یا مقالات مستقلی نوشته است و نکات بسیار جالبی را از پشت و روی سکه این پدیده‌ها متذکر شده است.

برآمده از همان کار مشترک آدورنو و هورکهایمر بود که بعدها آدورنو به تندی در بسیاری از مقالات و کتاب‌های خود آن را پیگیری و تکمیل کاری کرد. در واقع همه آنچه که آدورنو تا پایان دهه ۶۰ در انتقاد از صنایع رسانه‌های گروهی و مدهای جدید موسیقی همچون پاپ و راک و... گفت و نوشت در بستر این نظریه سامان یافته است که بی‌اغراق یکی از مهم‌ترین فرزادهای تاریخ مطالعات فرهنگی است. بحث آدورنو و هورکهایمر در فصل «صنعت فرهنگ» بسیار مفصل و تحلیلی است و در این مقام نه مجال گزارش آن است و نه سواد می‌رود؛ این فرهنگ‌انبوه محصول پادمانه‌ها و تقاضاهای اصلی نیست؛ بلکه ناشی از تقاضاهای و خواسته‌های است که «جنسور مصنوعی برانگیخته شده» یعنی امروزه دیگر فرهنگ نماینده نیازها و آرزوهای واقعی و خردباختگی بشر نیست؛ بلکه خواسته‌هایی کاذب و گردگرفته از پاسخ می‌گوید. برای فهم دقیق‌تر این نظریه می‌توان از این

تمثل سود جست؛ فردی را در نظر بگیرد که ناآگاهانه و توسط دیگران به مواد مخدر معتاد شده است. نیاز این فرد به استعمال موادمخدر نیاز طبیعی و خردباختگی او نبوده، اما اکنون از آنجا که این فرد اعتیاد پیدا کرده است، احتیاج دارد به همان کسانی که این نیاز را در او برانگیخته‌اند. پس میل کنونی این فرد به مواد مخدر نه توجیهی برای معتادکنندگان بلکه دقیقاً بخشی از نتیجه کار آنهاست! آدورنو و هورکهایمر توضیح می‌دهند که در این سیستم «هرگونه رده‌بای خردباختگی مردمی کنترل این جذب می‌شود. مجرایان بااستعداد مدیا پیش از آنکه صنعت فرهنگ‌سازی آنان را به نمایش گذارند به این صنعت تلقی دارند؛ در غیر این صورت برای جانشان در آن، چنین فرصت و ششاقی نمی‌یابند. تکرش عموم مردم که سرچاه و عملا هوادار نظام صنعت فرهنگ است، خود بخشی از این نظام است نه غلر موجهی برای آن پس این ادعا که چنین کاری به قصد ارشای آرزوهای خردباختگی عموم مردم صورت گرفته است، چیزی جز حرف مفت نیست! بدین معنا صنعت فرهنگ نیازهای را تأمین می‌کند که خودش در میان توده‌ها پنهان کرده است؛ به همین خاطر آنها همواره منتظر رسیدن کلاهی فرهنگی جدیدند و هر کلاهی به محض تولید مورد پذیرش در سطح انبوه قرار می‌گیرد. پیامد چنین وضعیت غایت کردن توده‌ها به یک سلسله الگوهای مشخص و تکراری و در نتیجه صنوبری و مصالحه بی‌اشتیابی و در یک کلام تک صدایی فرهنگی است؛ تنها صدای حاکم مدای مصرف و در حقیقت «صدای سکوت» است. تلویزیون زندگی مردم روزمره را با همه گسالت و کراهت و ناراضی‌اش برای خود مردم به نمایش می‌گذارد و آنها نیز سرگرم شده و دست آخر باور می‌کنند که نوع دیگری از زندگی ممکن نیست! ستون‌های «عالم‌بینی» مجلات و روزنامه‌ها نیز سرگشته مردم را از استیانتان می‌گیرد و با ستارگان گره می‌زند تا در ترحیب به آنان بقولانده که آنچه هست جبراً باید بکنند. بگونه‌ها نسبتاً از طریق جلوبه‌ای ویژه و شوکه کننده تکنولوژیک و با ساختن سقعی هیجانی و احساسی از خنده و گریه، بنسند را بیش از پیش از ماجرا پرت می‌کنند و به همین سان انواع جدید موسیقی، ورزش، اوقات فراغت... که جویان را از اوج فرهم، غفلت و فاصله از آگاهی حفظ می‌کنند. آدورنو تقریباً در باب هر یک از مصادیق فوق، مقاله یا مقالات مستقلی نوشته است و نکات بسیار جالبی را از پشت و روی سکه این پدیده‌ها متذکر شده است.

فرهنگ است و البته از آنجایی که این صنعت در دل همین فرهنگ انبوه پذیرفته و جذب می‌شود، دومی پیش‌زمینه اولی نیز می‌باشد! آنچه که از بالا به عنوان این نظام است نه غلر موجهی برای آن پس این ادعا که چنین کاری به قصد ارشای آرزوهای خردباختگی عموم مردم صورت گرفته است، چیزی جز حرف مفت نیست! بدین معنا صنعت فرهنگ نیازهای را تأمین می‌کند که خودش در میان توده‌ها پنهان کرده است؛ به همین خاطر آنها همواره منتظر رسیدن کلاهی فرهنگی جدیدند و هر کلاهی به محض تولید مورد پذیرش در سطح انبوه قرار می‌گیرد. پیامد چنین وضعیت غایت کردن توده‌ها به یک سلسله الگوهای مشخص و تکراری و در نتیجه صنوبری و مصالحه بی‌اشتیابی و در یک کلام تک صدایی فرهنگی است؛ تنها صدای حاکم مدای مصرف و در حقیقت «صدای سکوت» است. تلویزیون زندگی مردم روزمره را با همه گسالت و کراهت و ناراضی‌اش برای خود مردم به نمایش می‌گذارد و آنها نیز سرگرم شده و دست آخر باور می‌کنند که نوع دیگری از زندگی ممکن نیست! ستون‌های «عالم‌بینی» مجلات و روزنامه‌ها نیز سرگشته مردم را از استیانتان می‌گیرد و با ستارگان گره می‌زند تا در ترحیب به آنان بقولانده که آنچه هست جبراً باید بکنند. بگونه‌ها نسبتاً از طریق جلوبه‌ای ویژه و شوکه کننده تکنولوژیک و با ساختن سقعی هیجانی و احساسی از خنده و گریه، بنسند را بیش از پیش از ماجرا پرت می‌کنند و به همین سان انواع جدید موسیقی، ورزش، اوقات فراغت... که جویان را از اوج فرهم، غفلت و فاصله از آگاهی حفظ می‌کنند. آدورنو تقریباً در باب هر یک از مصادیق فوق، مقاله یا مقالات مستقلی نوشته است و نکات بسیار جالبی را از پشت و روی سکه این پدیده‌ها متذکر شده است.

فرهنگی در این راستا راهی به مبانی نقد فرهنگی آدورنو بود و لذا وارث تک تک مضامین و نمونه‌های متعدد نقد وی و عقده‌های زبانی آنها نیست.

تلفن گروه آدورنو: ۸۸۴۶۲۷۷



رساله دکترای اقبال لاهوری ترجمه می‌شود

محمد بقایی (ماکان) رساله دکترای اقبال لاهوری را با عنوان «تاریخ فلسفه ایران» ترجمه می‌کند.

دکتر محمد بقایی - مترجم و اقبال شناس - درباره این کتاب به مهمی گفت: اقبال لاهوری از تاریخ فلسفه ایران به بررسی فلسفه ایران از زمان زشتت تا عصر خود پرداخته و تمام پدیده‌های فلسفی در ایران را با نگاهی به‌اندیشه‌های سرزمین‌های دیگر بررسی کرده است.

اقبال در این کتاب - که رساله دکترایش نیز بوده - کوشیده است تا اندیشه فلسفی ایرانیان را به طور مستقل بررسی و اثبات کند که اندیشه ایرانی مستقل از اندیشه دیگر کشورها بوده است. ۲۰ سال پیش برای نخستین بار میرحسین آریین‌پور این کتاب را ترجمه کرد. این اثر با وجودی که حجم زیادی ندارد و در ۱۵۰ صفحه خلاصه شده، به لحاظ محتوایی پرمتن و پرکشش است. نکات این کتاب گزیده‌ای از اندیشه‌های ایرانیان است و اقبال در این کتاب به قدری به همه زوایای فلسفه ایران اشراف دارد که گویش خود ایرانی است.

این کتاب دو بخش شش فصل دارد و بررسی اندیشه‌های چهره‌های چون مزداک، زرتشت، مانی، ابن مسکویه، شناسایی چهره‌های معتبر معتزل، تصوف ایرانی، ابن اسماعیلی، برخورد آئین اشعری در برابر خرد غربی، مدرسه غزالی، بررسی حکمت اشراق سهروردی، عصر جدید فلسفه ایرانی در دوره صفویه به بعد و بررسی چهره‌اندیشندانی چون ملاصدرا، ملاهادی سبزواری و... از فصول این کتاب به شمار می‌رود.

کیش تخصص ماست
هتل سان رانز (روزرواسیون مرکزی)
هتل ۵ ستاره پارسیس با خدمات ویژه
هتل داریوش، ویلای ساحلی
تاج سیر ۸۸۶۷۲۸۱۸
مسئول: ۰۲۱-۸۸۶۷۲۸۱۸

سواحل خلیج فارس
چین، روسیه، مالزی، اسپانیا
سواحل زیلی ترکیه
بزرگان تخت ۹۰-۸۵-۷۲-۳۲-۸۸
تورهای اروپا

کیش جشنواره تابستانی مشهد
نماینده هتل شایگان - سارا - داریوش
نماینده هتل تاج محل
مجری مستقیم
سواحل خلیج فارس
تور ویژه تعطیلات مراداد
وقت سفارت - همه روزه
سواحل ترکیه - گوش آداسی
بهترین ساعت پروازی
چارتر کیش ایر
بوئینگ MD
استانبول - قبرس

ترکیه تور انگلستان و اروپا
استانبول، مارماریس، سمریه-لیطیان
گوش آداسی، بدروم
رفاه گشت تبران ۸۸۶۷۲۸۱۸-۴
مسئول: ۰۲۱-۸۸۶۷۲۸۱۸

سواحل خلیج فارس باران
Baran Parvaz
۲۲۰-۳۶۶۹۳

اروپا - برزیل
گرواسی - ایتالیا - پرتغال - اسلواکی - استرالیا
آژانس رضا (حد ۲۰) ۸۸۳۴۳۳۴۴
مسئول: ۰۲۱-۸۸۳۴۳۳۴۴

استارا تور ۳ روز ۳ شب
در هتل بین المللی لاله سرعین ۴ ستاره تاپ
لوووگولدار، مسیانه بوفه، نهار
دریا، جنگل کیشوم، گردن‌خیران، آب گازدار
نمایش‌هایی در پاریس، غول‌بیل، بازار آفتاب و زیبار...
تاریخ های حرکت: ۱۹/۰۵/۲۷/۱۵/۰۶/۱۹
نقشه: ۱۸۹ هزار تومان (فصلی ۱۵۹ هزار تومان)
تماس آید، سروران، پرواز، بیمه، هتل، آفریش: ۸۸۷۵۶۶۶۸-۸۸۷۵۹۸۹۰

no rooms only homes
خدمات: صبحانه، نهار، سرویس به مرکز خرید
ساحل و یک گشت شهری همراه با عصرانه
با بهترین موقعیت مکانی
روبروی مرکز خرید ریف مال
بادران پرواز ۸۸۵۱۷۷۷۰

مجمری مستقیم تورها
IATA منتخب سازمان میراث فرهنگی و جهانگردی
برگز روزرواسیون هتل بین المللی قصر سرعین
استارا / اردبیل / سرعین
تبریز- ارومیه- لرستان- گیلان- همدان- کیش
زنگان- تکاب- همدان- مشهد - کیش
مسئول: ۰۲۱-۹۱۲۱۳۳۲۱
باکو زمینی و هوایی همه روزه
سوریه - لبنان هر هفته
سواحل خلیج فارس (وزیرای دو ماهه فقط ۷۰۰۰۰ تومان)
نماینده رسمی هواپیمایی ایر عربی (آذربایجان (۱۳))
فروش بیلبد ارزان قیمت لندن و تمام نقاط دنیا
حامی (شبان روزی): ۸۸۹۹۰۶۴۰-۸۸۹۸۵۶۴۹-۸۸۹۹۲۰۶۰

تور کیش ویژه جشنواره
استانبول، سمرماریس، بدروم
تایلند - مالزی - سنگاپور - هند - بنگلادش - چین
و هر گونه خدمات دیگری که شما خواسته باشید.
با خدمات کیفیت‌ساز و لذت‌بخش، خط مسیر ۶۶۹۳۷۶۲۲

مجمری مستقیم تورها
سواحل خلیج فارس مستقیم
مالتری
روزبه روز گشت
۸۸۸۱۰۹۹۱

استانبول
www.mahanfly.com
یکصد و چهارمین نمایشگاه
کوانجو فاز ۱ و ۲ و ۳
پرواز روزانه به فرودگاه آتاترک
بلیط ادامه مسیر به اقصی نقاط ترکیه و سایر کشورها از طریق استانبول
مارماریس سواحل مدیترانه گوش آداسی ارجان (قبرس شمالی)
آرام سیر ۵۷/۲۲۵۶۰۰-۸۸۱۰۲۲۵۶۰-۸۸۱۰۲۲۵۶۰-۸۸۱۰۲۲۵۶۰
آسیا ۲۰۰۰ ۸۸۳۱۶۳۰۰
آسیا ۲۰۰۰ ۸۸۸۹۶۹۴۹
حامی ۸۸۹۹۲۰۶۰
رهابال گشت ۷-۸۸۹۵۲۲۲۶
آیتو ۸۸۷۵۴۱۰۳
کوهر گشت ۸۸۵۱۸۹۸۳

سواحل خلیج فارس جشنواره
تایلند مالزی
۸۸۹۵۰۱۸۲-۳
مسکو سن پترزبورگ
آماده در صفحات ۱۱ و ۲۱